



خاموشی معلم در روز معلم

گفت‌وگو با زنده‌یاد دکتر مه‌لقا قربانلی استاد فیزیولوژی گیاهی

دکتر حسین لاری یزدی

اشاره

دکتر مه‌لقا قربانلی استاد فیزیولوژی گیاهی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم سابق) و دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، حق معلمی و استادی بر گردن بسیاری از معلمان زیست‌شناسی کشور دارد. او طی پنجاه سال تدریس، استاد بسیاری از ما بوده است. او که از معلمی دبیرستان به معلمی دبیرستان و سپس به استادی دانشگاه رسید، در روز ۱۲ اردیبهشت سال جاری، مصادف با روز معلم پس از یک دوره بیماری سرانجام جان‌به‌جان‌آفرین تسلیم کرد. این گفت‌وگو طی دو نشست در آخرین هفته‌های عمر ایشان انجام شده است. روحش شاد باد.

می‌خواهیم شرح زندگی، مخصوصاً روند معلمی و استادی شما را از زبان خودتان بشنویم.

۸۰ سال پیش در گرگان متولد شدم. تا کلاس نهم هم آنجا تحصیل کردم. چون از پایه دهم به بعد در گرگان برای دخترها مدرسه‌ای وجود نداشت، به تهران آمدم و من در دبیرستان بهمنیار تهران ادامه تحصیل دادم. در سال ۱۳۳۳ دیپلم گرفتم، در کنکور همان سال در رشته زیست‌شناسی پذیرفته شدم. در همان زمان کار معلمی را در دبستان مصباح مرجانی شروع کردم. در سال ۱۳۳۶ از دانشگاه تهران لیسانس گرفتم و در همان سال ازدواج کردم. همسرم، آقای دکتر معتمد دومه بعد از ازدواج برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. سه سال بعد من نیز در رشته فیزیولوژی گیاهی پذیرش گرفتم و به همسرم در پاریس پیوستم. در بیوشیمی، فیزیولوژی گیاهی و پژوهش در فیزیولوژی گیاهی هم‌زمان فوق لیسانس گرفتم و بعد بلافاصله برای دوره دکترانت نام کردم و دکترارادر زمینه کشت بافت گیاهی و

اندام‌زایی با درجه عالی گذراندم. پس از برگشت، یک سال دیگر در دبیرستان‌های تهران تدریس کردم؛ اما به‌عنوان استادیار در دانشگاه تربیت معلم سابق (خوارزمی کنونی) پذیرفته شدم. در سال ۱۳۴۴ به سمت استادیاری، در سال ۱۳۴۸ به سمت دانشیاری و در سال ۱۳۵۲ به سمت استادی رسیدم. ۳۵ سال در دانشگاه تربیت معلم تدریس کردم. در این مدت گاه به صورت مدعو در دانشگاه‌های شهید بهشتی، دانشگاه اراک، دانشگاه الزهراء، دانشگاه تربیت مدرس و یا دانشگاه پیام نور دعوت به تدریس می‌شدم. در اسفندماه ۱۳۷۹ در سن ۶۵ سالگی با رتبه ۲۵ استادی بازنشسته شدم و اکنون دارای رتبه ۳۵ استادی هستم

فکر می‌کنم شما هنوز هم کار تدریس را ادامه می‌دهید.

بله، بازنشستگی برای من پایان کارهای آموزشی و پژوهشی نبوده است. پس از بازنشستگی در دانشگاه آزاد واحد گرگان استخدام شدم و تا

گاهی در کلاس از دانشجویان می‌پرسیدم که دوست دارید در رشته گیاهی ادامه تحصیل بدهید، از حدود چهل نفر فقط یکی دست بلند می‌کرد



(سه جلد)، تغذیه معدنی گیاهان، جغرافیای گیاهی، زیست گیاهی (گیاه‌شناسی)، جذب و انتقال در گیاهان، متابولیسم گیاهی پیشرفته و اکوفیزیولوژی گیاهی - جلد اول...

«... و چندتا مقاله؟»

در مجموع ۲۱۰ مقاله داشته‌ام که ۱۵۰ تایی آن‌ها در مجلات فارسی‌زبان و ۶۰ مقاله به زبان‌های خارجی بوده است.

«کارهای مطبوعاتی هم داشته‌اید؟»

بله. من سردبیر مجله فیزیولوژی گیاهی ایران هستم که به زبان انگلیسی از سوی انتشارات دانشگاه آزاد واحد ساوه منتشر می‌شود. هم‌چنین سردبیر مجله اکوفیزیولوژی گیاهی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان هستم. در ضمن عضو هیئت تحریریه مجله گیاه و زیست‌بوم از دانشگاه آزاد واحد شهرری، عضو هیئت تحریریه مجله اکوفیتو شیمی واحد گرگان و عضو هیئت تحریریه مجله بذر دانشگاه آزاد واحد گرگان هم هستم.

«ما و بسیاری از معلمان زیست‌شناسی کشور مباحثی از فیزیولوژی گیاهی را در کلاس‌های درس شما آموخته‌ایم. ولی این سؤال مدتی است ذهن ما را اشغال کرده است: آیا درست است که بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان

قبل از این که در بستر بیماری بیفتیم، هم‌چنان به کارهای علمی خود ادامه داده‌ام. الان در حد اندکی فعالیت می‌کنم. فعالیت‌های من تا دو سال پیش خیلی زیاد بود؛ ولی الان فقط سردبیر دوتا مجله هستم.

«در چه زمینه‌هایی پژوهش می‌کنید؟»

پژوهش‌های من بیشتر در زمینه تنش‌های مختلف گیاهان، به‌ویژه نسبت به شوری، خشکی، فلزات سنگین، جوانه‌زنی دانه، ترکیبات آنتی‌اکسیدان، کشت بافت و هالوفیت‌ها بوده است.

«چند کتاب ترجمه یا تألیف کرده‌اید؟»

۲۱ کتاب به تنهایی یا با همکاری دیگران منتشر کرده‌ام که ۱۴ تایی آن‌ها تألیفی و ۷ تا ترجمه‌ای هستند.

«ممکن است عناوین بعضی از آن‌ها را بگوئید؟»

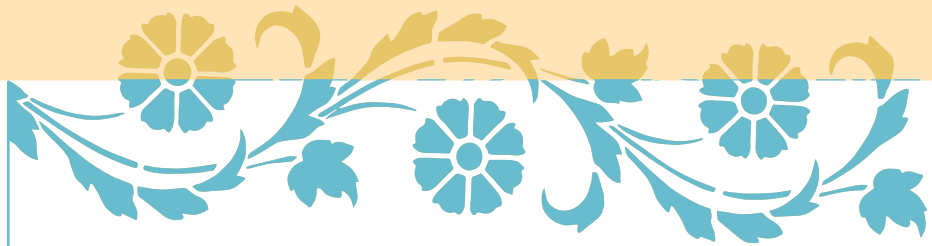
کتاب‌های فیزیولوژی گیاهی (تغذیه و متابولیسم) جلد اول، فیزیولوژی گیاهی (رشد و نمو) جلد دوم، گیاه‌شناسی عمومی، تغذیه گیاهان و متابولیسم، رشد و نمو، رشد و نمو گیاهی، آزمایشگاه فیزیولوژی گیاهی ۲، آزمایشگاه فیزیولوژی گیاهی یک، فیزیولوژی گیاهی ۳، زیست‌شناسی گیاهی، نگرشی بر فلور و پوشش گیاهی بیابان‌های ایران

فکر می‌کنم اشکال

کار برمی‌گردد به

آموزش علوم گیاهی در

دبیرستان



**اگر معلمی
چیزی را
دوست
نداشته
باشد،
نمی‌تواند
آن را خوب
تدریس کند**

راه‌حلی سراغ دارید؟

بیشتر دانشجویها از برش‌های گیاهی خوششان نمی‌آید. فکر می‌کنم باید در روش‌های تدریس علوم گیاهی تجدیدنظر کنیم؛ مخصوصاً حالا با کمک ابزارها و فناوری‌های جدید. با رایانه خیلی کارها می‌شود انجام داد. قبلاً فقط تصویر و کتاب بود. شاید حق داشتند، اما الان خیلی بهتر می‌شود گیاهان را معرفی کرد. فناوری‌های نوین می‌توانند در دانشجویان و دانش‌آموزان ایجاد علاقه کنند. معلمان حتی می‌توانند خود گیاهان را به کلاس‌های درس ببرند. البته، این کار وقت می‌خواهد و علاقه‌مندی.

بردن گیاهان به کلاس‌های درس بسیار آسان‌تر از جانوران است. گیاهان دلب‌پذیرترند، زیباترند و بردن آن‌ها به کلاس اشکالی ایجاد نمی‌کند؛ در حالی که کشتار و تشریح جانوران محدودیت و در مواردی ممنوعیت دارد. کار کردن با گیاهان خیلی آسان‌تر از کار کردن با جانوران است.

برای تشویق معلمان در تدریس بهتر

علوم گیاهی چه باید کرد؟

ببینید، اساس کار معلمی عشق است. اگر معلمی چیزی را دوست نداشته باشد، نمی‌تواند آن را خوب تدریس کند. این خاص گیاهان نیست. پس به نظر من، باید معلمان را نسبت به گیاهان علاقه‌مند کنیم. علاقه‌مندی در این کار بسیار مؤثر است. من که فعلاً بیمارم و نمی‌توانم زیاد کار بکنم، اگر نه حاضر بودم در این راه کمک کنم. ولی به این مسئله خیلی فکر کرده‌ام. عشق معلم را باید افزایش داد.

بسیار سپاسگزاریم استاد عزیز.

مباحث علوم گیاهی را چندان که

شایسته است، دوست نمی‌دارند؟

بله. من هم به این موضوع پی برده‌ام. مثلاً، به یاد دارم در دانشگاه تربیت‌معلم که هر نیمسال چهل پنجاه نفر دانشجو می‌پذیرفتیم، گاهی در کلاس از دانشجویها می‌پرسیدم که دوست دارید رشته گیاهی ادامه تحصیل بدهید. از حدود چهل نفر فقط یکی دست بلند می‌کرد. بقیه می‌خواستند بروند جانوری.

به نظر شما علت چیست؟

به نظر من علت این است که این دانشجویان گیاهان را آن‌طور که باید، نمی‌شناسند. در حالی که می‌دانیم که همه‌چیز ما از گیاهان است. اگر گیاهان نباشند، غذا نداریم، اکسیژن نداریم، مواد نداریم، میز نداریم...

اشکال کار در کجاست که دانشجویها

آن‌طور که باید، گیاهان را نمی‌شناسند

تا به آن‌ها علاقه‌مند شوند؟

فکر می‌کنم اشکال کار برمی‌گردد به آموزش علوم گیاهی در دبیرستان. ارائه علوم گیاهی در دبیرستان طوری نیست که بچه‌ها را به گیاهان جلب کند؛ یعنی به نظر من احتمالاً روش آموزش طوری بوده که نتوانسته این دانشجویان را علاقه‌مند کند.

